



مجله حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی راهکارهای حقوقی استخراج و معامله ارزهای دیجیتال و رمز پایه (مجازی):

خلأهای حقوقی و راهکارهای پیشنهادی: شیما نادری، مجید مطلبی

واکاوی مبانی فقهی فور و تراخی در اخذ به شفعه: مرتضی رحیمی

دستاوردها و چالش های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی: ابوالفتح خالقی، زهرا میرزائی

آثار قرارداد انتقال تکنولوژی در حقوق ایران: افشین مجاهد

تبیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آیین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳

:محمد مبینی فر، مرضیه فتحی برناچی

جایگاه کمیسیون های حل اختلاف در دعاوی فی مابین سپاه پاسداران انقلاب و شهرداری تهران

:محمدرضا یزدی، مجتبی سالک رازی

آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه: سید جعفر هاشمی باجگانی، محمدرضا بوربور

آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان: میثم سبحانی

تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای

پیمان نامه جهانی حقوق کودک: مریم شعبان

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات: امیرحسین قضائی علمداری

اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه ای در شغل وکالت: رستم علی اکبری، یاسر شاکری

تکثرگرایی دینی در قانون مجازات اسلامی: محسن حمیدی پور

آثار و شرایط دادرسی غیابی در حقوق ایران و فرانسه: سید جعفر هاشمی باجگانی، مصطفی افضلی گروه

مسئولیت کیفری دولت ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری های منطقه ای و بین المللی: سجاد طیبی

تحلیل عملکرد دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران

و ایالات متحده آمریکا: محمد ستایش پور، عیسی پودات

چالش های فلسفی، مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر: نوروز کارگری

تحلیل اقتصادی آثار جاتی ناشی از استفاده اموال با مطالعه حقوق ایران: یداله دادگر، اکرم احسانی

کارکردها و چالش های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپایی و اسناد بین المللی)

:سید عباس موسوی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام: علی اکبری، مهدی فلاحیان

حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی: غلامرضا ایزدپناه، وجیهه ایزدپناه

تحلیل ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین الملل: محمدخلیل صالحی، محمد سلمانی فرهمند

آثار قرارداد بیعه عمر از منظر فقه امامیه و حقوق ایران: سید سجاد خالونی تفتی

حمایت از قضات ادارات در عصر سیاسی سازی: ارزیابی استقلال قضائی و ثبات رأی در دادرسی اداری: رضا طجرلو،

محمدجواد شفق، فاطمه مافی

حقوق بزه دیدگان و بزه کاران در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: نقدها و چالش ها: صادق فتیلی، ابراهیم مقدم

بررسی و تحلیل تعهد به رعایت احتیاط در حقوق کامن لا: رضا حسین گندمکار، فرزاد کریمی کلمتی

مطالعه تطبیقی ارزیابی هزینه جرم در حقوق کیفری و فقه شیعه: اسماعیل کشکولیان، مهدی نقوی

در آمدی بر نظریه شخصیت حقوقی در فقه امامیه: سید علیرضا امین

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی: سید وحید میرنظامی، فائزه بهادر

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا: احمدرضا کنارکوهی، سلامه ابوالحسنی

اهمیت ایجاب در قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی: مرتضی جوان سرند



The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات

Amirhossein GHazaei Alamdari

Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Allameh Tabataba'i University, M.Sc. Student of Law and Political Science, Ruhr Bochum University, Bochum, Germany

امیرحسین قضائی علمداری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه روهربوخوم، بوخوم، آلمان

amir_hga@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0002-1944-3181>

Abstract

Freedom of expression, which is one of the fundamental human rights, is now persecuted and restricted by governments in various ways around the world. However, the existence of appropriate and favorable conditions and contexts for the exercise of this fundamental right is one of the most important factors in the growth and excellence of human personality and spiritual values. But at the same time, it should be noted whether this right is our ultimate goal or end or a means to the growth and excellence of the aforementioned concepts? What is striking at first glance is that the right to freedom of expression is a means to an end. Given these explanations, should it be seen that this fundamental right, like other human rights, is subject to various restrictions, or that the permit for unconditional resignation and its condition has been issued by the legislator in all circumstances? In this article, we have tried to recognize the relationship between freedom of expression and insult as one of its limiting factors in order to preserve and protect the dignity and spiritual personality of individuals on the basis of Article 24 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran as a foundation. Recognition of this fundamental right as well as Articles 608 and 609 of the Islamic Penal Code (the fifth book of punishments approved in 1997) and articles of the Press Law should be examined. In addition, with the introduction of a new definition of this crime, the necessity or non-necessity of criminalizing such a criminal title, especially that which is prosecuted in the form of insulting government officials and employees, has been fundamentally reconsidered.

Keywords: Insult, Criticism, Freedom of Speech, Hate Speech, Media.

چکیده

آزادی بیان که از جمله حقوق بنیادین بشری است امروزه به طرق مختلف در سراسر عالم توسط حکومت‌ها مورد جفا و محدودیت قرار می‌گیرد. حال آن که وجود شرایط و زمینه‌های مناسب و مساعد جهت کاربست این حق بنیادین از مهم‌ترین عوامل رشد و تعالی شخصیت و ارزش‌های معنوی انسان است. اما در عین حال باید توجه داشت که آیا این حق، خود هدف و غایت نهایی ماست یا وسیله‌ای است در جهت رشد و تعالی مفاهیم پیش گفته؟ آن‌چه در اولین نگاه نظر را به خود جلب می‌سازد، آن است که حق آزادی بیان وسیله‌ای است جهت نیل به اهداف فوق‌الذکر. با توجه به این توضیحات باید دید این حق بنیادین نیز به مانند سایر حقوق انسانی با محدودیت‌های گوناگون رو به رو است یا آن که جواز استیفای بی‌قید و شرط آن در همه احوال توسط مقنن صادر گشته است؟ در این مقاله سعی شده است تا رابطه آزادی بیان و توهین به عنوان یکی از عوامل محدودکننده آن در جهت حفظ و حراست از حیثیت و شخصیت معنوی اشخاص بر بستر اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان شالوده و زیربنای به رسمیت شناختن این حق بنیادین و همچنین مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) و موادی از قانون مطبوعات مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر آن با ارائه تعریفی نوین از این جرم، لزوم یا عدم لزوم جرم‌انگاری چنین عنوان مجرمانه‌ای، خاصه آن‌چه که در قالب توهین به مقامات و کارکنان حکومت تحت پیگرد قرار می‌گیرد، مورد بازنگری اساسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توهین، انتقاد، آزادی بیان، سخنان تنفرآمیز، رسانه.

Received: 2021/07/30 - Review: 2021/09/21 - Accepted: 2021/11/20

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

ارجاع:

قضائی علمداری، امیرحسین؛ (۱۴۰۰)، رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات، تمدن حقوقی، شماره ۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

جرم توهین یکی از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص بوده که نه تنها به لحاظ حقوقی بلکه از لحاظ اخلاقی و مذهبی نیز پدیده‌ای ناپسند و تقبیح شده می‌باشد. سابقه تاریخی جرم‌انگاری توهین به بندهای «۱۳»^۱ و «۳۳»^۲ ماده یک آئین نامه امور اخلاقی مصوب ۱۳۲۴ و همچنین مواد «۸۱»^۳، «۱۶۲»^۴، «۱۶۳»^۵، «۱۶۴»^۶ و «۲۷۲»^۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ باز می‌گردد. علاوه بر این ها آیاتی در

- ۱- ماده یک: اشخاص زیر بدو روز تا پنج روز حبس تکدیبری و به تادیه ده ریال تا پنجاه ریال غرامت محکوم می‌گردند: ۱۳-
- کسانی که برخلاف شعائر مذهبی یا آداب ملی به مردگان در ملاءعام ناسزا گفته یا اهانت نمایند.
- ۲- ۳۳: کسانی که بدوآ به دیگری شروع به فحاشی یا طلب خود را به هتاکی مطالبه کند یا به هر نحوی از انحاء به دیگری اهانت و هتک حرمت نمایند.
- ۳- ماده ۸۱ هر کس نسبت به رئیس مملکت علناً استعمال الفاظ رکیکه نماید از دو ماه تا شش ماه محکوم به حبس تأدیبی خواهد شد.
- ۴- ماده ۱۶۲: هر کسی نسبت به یکی از مستخدمین دولتی یا اعضاء دیوان محاسبات چه در حین اجرای مأموریت چه به سبب آن به اشاره یا قول یا تهدید و غیره اهانت کند به حبس تأدیبی از هشت روز تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر توهین نسبت به وزیر یا معاون او شده باشد مرتکب به سه ماه الی سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر توهین مزبور را نسبت به یکی از محاکم عدلیه یا محاکم اداری یا یکی از اعضاء آن‌ها در حال انعقاد جلسه محاکمه وارد آورد به حبس تأدیبی از یک ماه تا دو سال محکوم می‌شود.
- ۵- ماده ۱۶۳: هر کسی به یکی از طرق مذکوره در ماده قبل نسبت به نمایندگان ملت توهین نماید به حبس تأدیبی از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و هر گاه توهین نسبت به مستخدمین اداری مجلس وارد شده باشد مرتکب به حبس تأدیبی از هشت روز الی یک سال محکوم خواهد شد.
- ۶- ماده ۱۶۴: هر گاه کسی به یکی از طرق مذکوره نسبت به رؤساء یا اعضاء انجمن های بلدی یا ایالتی یا ولایتی یا نسبت به هیأت منصفه یا مصلدقین محاکم تجارتنی توهین نماید به حبس تأدیبی از یک ماه الی یک سال محکوم خواهد شد. اگر توهین نسبت به یکی از مستخدمین انجمن های مذکوره به عمل آمده باشد مجازات مرتکب حبس تأدیبی از هشت روز الی شش ماه است.

قرآن کریم در خصوص مذمت هرزه‌گویی و بدزبانی آمده است: «لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً»^۸ و «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^۹.

این جرم که از جمله جرایم رو به ازدیاد در محاکم دادگستری ایران بوده و با توجه به معیار عرفی خود، موجب بروز نظرات و تفاسیر مختلفی از چگونگی تعریف و مصادیق خارجی ارتکاب آن توسط قضات محاکم کیفری شده است، دارای مصادیق متعددی است که در قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مورد اشاره قرار گرفته، مضاف بر آن که تشکیل این پرونده‌ها بار سنگینی را به دوش مراجع مزبور تحمیل کرده است. در عین حال هیچ یک از قوانین فوق‌الذکر اشاره جرم توهین را تعریف نکرده‌اند که با توجه به شرایط فوق‌الذکر در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، ارائه تعریف واحدی از این جرم در قوانین کیفری لازم به نظر می‌رسد. از سوی دیگر در این نوشتار بحث لزوم جرم‌انگاری توهین و شکل خاص آن (توهین به مقامات و کارکنان حکومت) با توجه به قوانین سایر کشورها در زمینه حق آزادی بیان و التفات به ملزومات زندگی در دنیای مدرن و وجود رسانه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در آخر نیز کوشش شده با سنجش مفهوم آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و ارزیابی جایگاه این مفهوم در عرصه حقوق داخلی، رابطه این پدیده با حق انتقاد و توهین مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد و در حد توان کمکی به ایجاد وحدت رویه در آراء و تفاسیر محاکم از این پدیده مجرمانه و در نتیجه کاستن از بار غیرضروری این دست پرونده‌ها انجام گیرد.

۱- تعریف توهین

توهین در لغت به شکل زیر تعریف شده است: توهین مصدر لازم به معنای خوار کردن، خوار داشتن، سبک داشتن، خفیف کردن و سُست کردن است و به عنوان اسم مصدر به معنای خواری و خفت آمده و جمع آن توهینات است (معین، ۱۳۷۱، ۱۱۷۱) و اهانت نیز بدین شکل تعریف شده است: اهانت مصدر متعددی به معنای خوار کردن، خوار داشتن، سبک داشتن، ذلیل گردانیدن، تحقیر کردن است و معنای اسم مصدری آن خواری و تحقیر است (معین، ۱۳۷۱، ۴۰۸). نتیجه تعاریف فوق از واژه‌های توهین و

۷- ماده ۲۷۲: هر کس نظماً یا ثراً کسی را هجو کند و آن را منتشر نماید به حبس تأدیبی از هشت روز الی یک ماه یا به تأدیه غرامت از شش الی پنجاه تومان محکوم می‌شود.

۸- آیه ۱۴۸ سوره مبارکه نساء. خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد و خدا شنوای داناست.

۹- آیه اول سوره مبارکه همزه. وای بر هر بدگوی عیب جویی.

اهانت آن است که ریشه مشترک هر دو واژه وهن بوده و استفاده هر یک از آن‌ها به جای دیگری خالی از اشکال خواهد بود.

توهین اما در آثار حقوقدانان به اشکال مختلفی تعریف شده است. دکتر لنگرودی در این خصوص نوشته‌اند: نقض حرمت مسلم، جرم است. خواه به صورت افتراء باشد یا هتک حرمت یا غیبت یا قذف یا دشنام و هجو و نشر اکاذیب علیه او. ادا و اطوار عالمی یا استادی را در آوردن هم از همین قبیل است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۲۴۰). دکتر یاد توهین را به این شکل تعریف کرده‌اند: «واژه وهن به فتح اول برای سستی وضع شده است و توهین، سست گردانیدن را گویند و در اصطلاح حقوقی مراد به اهانت و توهین معنای عرفی آن‌ها می‌باشد (یاد، ۱۳۸۵، ۲۸۶). دکتر میرمحمدصادقی در خصوص توهین معتقدند: این واژه به هر رفتاری دلالت دارد که بتواند به نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۴۷۹). ایراد موجود در این تعریف آن است که این جرم را معلق به هتک حیثیت طرف ارتکاب جرم نموده است، حال آن‌که در متن مواد مورد بحث در این نوشتار صحبتی از لزوم هتک یا وهن حیثیت طرف ارتکاب جرم به میان نیامده است. و در آخر دکتر آقایی‌نیا نیز در خصوص توهین بیان داشته‌اند: توهین عبارت است از رفتار عمدی خلاف قانون که به موجب عرف نسبت به طرف موهن باشد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۲۳).

به نظر نگارنده توهین عبارت است از رفتار مثبتی که گاه به موجب عرف و گاه فارغ از قضاوت عرف و به صورت ذاتی نسبت به طرف وهن آور است. در خصوص معیار و ملاک تشخیص این که چه رفتاری وهن آور و اهانت‌آمیز است غالب حقوقدانان کیفری را عقیده بر این است که عرف، ملاک و معیار سنجش این رفتار است^{۱۰} و رفتار مورد بحث باید «در نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا باعث تحقیر و پست شدن طرف گردد (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ۵۲۳). برخی از حقوقدانان صرف وجود رابطه پدر و فرزندی و یا استاد و شاگردی را مانع از صدق اهانت و وقوع جرم توهین دانسته‌اند. به عقیده ایشان «اگر پدری در منزل به فرزندش بگوید پدر سوخته یا معلمی به دانش آموزی بگوید بیشعور حتی اگر با قصد توهین و تحقیر باشد از مصادیق الفاظ رکیک و فحاشی موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات محسوب نمی‌شود.» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۲۵). ضمن احترام به نظر این طیف از حقوقدانان صحت چنین نظری شدیداً محل تردید است چرا که اطلاق ماده ۶۰۸ قانون

۱۰- جهت نظر مخالف رک به، انصاری، باقر، حمایت از اشخاص در برابر آزادی بیان، قابل مشاهده در کانال تلگرامی ایشان به

مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) که «توهین به افراد...» را جرم انگاری نموده هیچ گونه قید و شرطی از لحاظ رابطه بین توهین کننده و توهین شونده، سن، جنس و... را در زمره شرایط تحقق جرم توهین ذکر نکرده است.

در خصوص عرفی بودن توهین بررسی نظریه شماره ۷/۶۷۵۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ صادره از اداره حقوقی قوه قضائیه مفید به نظر می‌رسد، طبق این نظریه: «اهانت امری است عرفی و تشخیص آن با قاضی رسیدگی کننده به پرونده است و برای احراز بزه اهانت علاوه بر قصد اهانت شخصیت، مقام و موقعیت هر دو طرف و الفاظی که به کار می‌برند و کیفیت آن و عمل مرتکب باید مورد توجه قرار گیرد. بنابر این در فرض استعلام هل دادن و بیرون انداختن با وضعیت فیزیکی سخیف اگر از جهت ایراد ضرب عمدی منتهی به وقوع بزه نشده و اهانت کننده قصد اهانت داشته باشد در صورت احراز می‌تواند از مصادیق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) باشد.» البته در مسئله رجوع به عرف برای فهم این که آیا یک رفتار خاص مشمول عنوان توهین می‌گردد یا خیر نباید حد اعتدال را رها نمود. برای مثال نشان دادن زبان در تبت بعد از صرف غذا نشان دهنده تشکر و سپاسگزاری از میزبان است حال آن که در عرف ما چنین رفتاری، نوعی بی‌ادبی محسوب می‌شود و اگر در شرایطی خاص و با قصد خوارکردن یا سست کردن صورت پذیرد توهین کیفی محسوب خواهد شد. اما چنان که شرح آن رفت استفاده از لفظ «بیشعور» در هر جامعه‌ای و در هر شرایطی، خوارکردن طرف مقابل بوده و به نظر می‌رسد تحت شمول مقررات توهین کیفی قرار خواهد گرفت.

۲- شرایط تحقق توهین

بررسی جرایم در حقوق کیفری ایران بدین صورت شکل گرفته است که هر جرم دارای سه رکن قانونی، مادی و روانی می‌باشد. در این جا ما نیز به پیروی از شیوه مرسوم و عادت مألوف اساتید حقوق کیفری اول به بررسی رکن قانونی جرم توهین خواهیم پرداخت و سپس وارد صحبت در دو رکن دیگر خواهیم شد.

۲-۱- رکن قانونی

در قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) مقنن توهین را در مواد «۶۰۸»^{۱۱} و «۶۰۹»^{۱۲} به شرح ذیل جرم انگاری نموده است. چنان‌که پیداست متن این ماده به لحاظ نگارشی دارای

۱۱- توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنان‌چه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا جای نقدی درجه شش (بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال) خواهد بود.

اشکال بوده و باید به جای حرف ربط «به» کلمه «مستوجب» در میانه ماده جایگزین گردد. اما عجیب است که علیرغم اصلاح مجازات جزای نقدی در این ماده و افزایش آن از پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال به جزای نقدی درجه شش یعنی از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال، قانونگذار همچنان ایراد نگارشی موجود در متن ماده را اصلاح نکرده است!

چنان که از متن مواد فوق پیدا است به طور کلی در جرم توهین تحقق نتیجه شرط نیست و صرف این که رفتار موهن باشد کافی برای جرم تلقی کردن آن رفتار به نظر می‌رسد، فلذا هتک حیثیت یا اذیت شدن طرف توهین چنان که پیشتر در ارائه تعریف این جرم توسط حقوقدانان بیان شده، برای تحقق این جرم لازم نیست. البته باید توجه داشت که این اصل یک استثناء نیز دارد و آن ماده «۲۵۲»^{۱۳} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جرم قذف است. در این ماده «مخاطب» باید اثبات نماید که به علت انتساب زنا یا لواط به یکی از نزدیکانش اذیت شده، در غیر این صورت مرتکب به مجازات توهین ماده ۶۰۸ محکوم نخواهد شد که واضح است این امر خلاف قاعده اصلی مصرح در ماده ۶۰۸ می‌باشد.

۲-۲- رکن مادی

در ذیل این مبحث به عناصر مختلف رکن مادی پرداخته خواهد شد و رفتار مرتکب، طرف توهین، صحت اظهارات و صراحت رفتار مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

رفتار مرتکب: که با توجه به سیاق قانون به نظر می‌رسد ارتکاب این جرم فقط با ارتکاب فعل متصور است. در این خصوص برخی از حقوقدانان اظهار داشته‌اند: توهین عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که... (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ۵۲۳) و توهین به صورت ترک فعل هم قابل تحقق است (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۵۵۶) و توهین عبارت است از هر فعل یا ترک فعل اعم از... (پاد، ۱۳۸۵، ۲۸۷). چنان که مشاهده می‌شود این دسته از حقوقدانان قائل به آن هستند که ارتکاب توهین با ترک فعل نیز متصور است و برای آن

۱۲- هر کس با توجه به سمت یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

۱۳- کسی که به قصد نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری، الفاظی غیر از زنا یا لواط به کار ببرد که صریح در انتساب زنا یا لواط به افرادی از قبیل همسر، پدر، مادر، خواهر یا برادر مخاطب باشد، نسبت به کسی که زنا یا لواط را به او نسبت داده است، محکوم به حد قذف و دربارۀ مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد، به مجازات توهین محکوم می‌گردد.

مثال آورده‌اند: مانند این که نام شخصی را به قصد اهانت به صورت عادی (بدون لقب) به کار ببرند و یا در مواردی به قصد اهانت از احترام به کسی خودداری کنند (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۵۵۶). فارغ از این که مثال‌های ارائه شده خود مصداق ارتکاب فعل هستند نه ترک فعل، صحت این نظر جز در مورد نظامیان شدیداً محل تردید است. توضیح آن که در عرف رایج بین نظامیان ادای احترام نظامی به مافوق ضروری به نظر می‌رسد و صرفاً در خصوص ایشان با لحاظ سایر شرایط می‌توان عدم ادای احترام نظامی را در شرایطی توهین تلقی کرد. اما در خصوص سایر شهروندان این گونه تفسیر نمودن، خلاف اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی به نظر می‌رسد. مضافاً این که هیچ مقرر قانونی فردی را به استفاده از «لقب» در هنگام خطاب قرار دادن دیگری ملزم نکرده است.

با توجه به این توضیحات نگارنده معتقد است ارتکاب جرم توهین صرفاً با انجام فعل مثبت متصور می‌باشد (نظر موافق: آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۲۶). در تأیید این نظر قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ اشعار می‌دارد: «از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که به لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف یا تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.» چنان که ملاحظه می‌شود سیاق نگارش این استفساریه دلالت بر آن دارد که تحقق توهین با ترک فعل ممکن نیست. در این خصوص توجه به رأی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۲۱۱ صادره از شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که کشیدن روسری را مصداق ارتکاب توهین تلقی می‌کند، مفید به نظر می‌رسد (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵، ۶۵۵).

مشخص بودن طرف توهین: توهین باید طرف مشخصی داشته باشد (پاد، ۱۳۸۵، ۲۹۱). لذا انجام رفتار موهن بدون آن که شخص یا اشخاصی طرف آن رفتار قرار گیرند توهین نخواهد بود. لازم به ذکر است که این رفتار در صورت وجود سایر شرایط می‌تواند مشمول ماده «۶۱۸»^{۱۴} قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) قرار گیرد. در مورد مشخص بودن طرف توهین نظریه مشورتی

۱۴- ماده ۶۱۸: هر کس با هیاوو و جنجال یا حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی

گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

شماره ۷/۷۹۶۱ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۱۲ اشعار می‌دارد: «در مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) برای توهین به غیر افراد مشخص مجازاتی در نظر گرفته نشده است.» نکته دیگر در خصوص امکان یا عدم امکان توهین نسبت به اشخاص حقوقی است که در این خصوص به نظر می‌رسد رویه واحدی در محاکم وجود ندارد. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۱۷ مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۵ در این خصوص اشعار می‌دارد: «توهین به اشخاص حقوقی قابل تصور نیست در این مورد چنانچه متهم مطالبی را نسبت به شخص حقوقی که حالت اهانت داشته باشد یا موجب وهن برای دستگاه های دولتی باشد، گفته باشد در قالب نشر اکاذیب ممکن است قابل تعقیب باشد. به علاوه این که توهین یا اهانت امری عرفی و تشخیص آن با مقام قضائی رسیدگی کننده می‌باشد. مگر این که توهین مستقیماً به شخص مسئول دستگاه دولتی مثل رئیس قوه قضائیه یا سران سه قوه و... باشد که در آن صورت مورد مشمول ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) خواهد بود.» به نظر نگارنده در صحت این نظریه مشورتی تردیدهائی وارد است، اولاً آن که قالب نشر اکاذیب در قانون مشخص شده و منطقی نیست فرض اهانت به اشخاص حقوقی را صرفاً در قالب نشر اکاذیب متصور بدانیم. ثانیاً قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده «۲۰»^{۱۵} برای اشخاص حقوقی مجازات‌هائی در نظر گرفته و در ماده «۱۴۳»^{۱۶} نیز برای آنها مسئولیت کیفری قائل شده است، فلذا صحیح به نظر نمی‌رسد بتوان برای شخصی «اعم از حقوقی یا حقیقی» وظایفی در نظر گرفت بدون آن که او را از حقوق مربوط به آن وظایف بهره‌مند ساخت. ثالثاً آن که در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز توهین به اشخاص حقوقی جایز دانسته نشده است. بند ۸ از ماده ۶ این قانون اشعار می‌دارد: «افترا به مقامات و نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند.» مجموع این استدلال‌ها توهین به اشخاص حقوقی را نیز علاوه بر اشخاص حقیقی قابل تحقق می‌نماید.

سؤالی که پاسخ به آن لازم به نظر می‌رسد آن است که آیا توهین به اشخاص حقوقی، توهین به اشخاص حقیقی مشغول در آن نیز خواهد بود؟ پاسخ این پرسش نیاز به تفکیک دارد چرا که شخصیت شخص حقوقی

۱۵- ماده ۲۰: در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تادو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

۱۶- ماده ۱۴۳: در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

مستقل از اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آن است (امین پور، ۱۳۳۰، ۸) و در هر مورد خاص باید بررسی گردد که آیا توهین به مجموعه، توهین به هر یک از اعضای آن خواهد بود یا خیر؟ که در صورت مثبت بودن پاسخ این پرسش مورد از موارد تعدد معنوی می‌باشد. دیگر حقوقدانان نیز در پاسخ به این پرسش اظهار داشته‌اند: هرگاه از اعمال توهین آمیز شخص نسبت به یک اداره یا سازمان چنین فهمیده شود که طرف توهین شخص معینی از اعضای آن اداره مثلاً مدیر اداره یا یکی از کارمندان باشد عمل چنین فردی توهین به شخص معین تلقی شده و قابل مجازات است (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ۵۲۸).

در خصوص توهین راست بودن یا دروغ بودن نسبت های وارده شرط نیست و همچنین موهن شدن طرف نیز ضرورت ندارد بلکه گفتار یا رفتار واهن یا به طور کلی اعمال توهین آمیز از نظر عرف باید سبک و وهن آور باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ۵۲۶)، البته کماکان برخی از حقوقدانان عقیده بر این دارند که توهین نسبت به اشخاص حقوقی متصور نیست (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۵۵۶).

تاثیر صحت اظهارات توهین آمیز در وقوع جرم: در این جا پاسخ به این پرسش لازم است که آیا می‌توان اشخاص را به لحاظ بیان واقعیات موهن مجرم شناخت؟ چنان که شرح داده شد ملاک موهن بودن رفتار عرف است و شخصیت طرف توهین هم از ارکان عرف محسوب می‌گردد، پس اگر رفتار فرد با ملاک عرف موهن تشخیص داده شود صحت یا سقم اظهارات مرتکب تاثیری در تحقق جرم نخواهد داشت. فلذا باید توجه داشت برخی عبارات و اصطلاحات به صورت ذاتی موهن و تحقیرکننده است و چنانچه نسبت به افراد استفاده گردد ولو آن که صحت نیز داشته باشند می‌توانند جرم باشند. به عنوان مثال استفاده از لفظ فاحشه نسبت به یک زن ولو آن که در حقیقت نیز فاحشه باشد به نظر نگارنده وهن آور بوده و مشمول عناوین کیفری است.

آنچه که در این بحث باید مورد دقت نظر قرار گیرد خود الفاظی است که می‌توانند توهین تلقی شوند، صحت انتساب و شخصیت طرف در درجات بعدی از اهمیت قرار می‌گیرند. این مطلب با ذکر مثالی روشن خواهد شد: فرض کنید «الف» و «ب» دوست یکدیگر هستند و حالات ذیل برای ایشان متصور است، «الف» به «ب» که موئی روی سر ندارد بدون قصد تحقیر بگوید «کچل» در این جا تحقق جرم توهین محل تردید است (نظر موافق: آقای نی، ۱۳۹۴، ۳۴)، در حالت دیگر «الف» می‌تواند از روی عصبانیت و با قصد تحقیر «ب» را کچل خطاب کند که در این فرض تحقق جرم توهین محتمل به نظر می‌رسد. اما در همین مثال‌ها اگر «الف» با الفاظ ذاتاً موهن مانند قواد یا فاحشه «ب» را مورد خطاب قرار دهد فارغ از این که فرد «ب» واقعاً قواد یا فاحشه باشد، جرم توهین تحقق یافته است. چرا که گفتیم

برخی عبارات با توجه به ملاک عرف و سایر شرایط می‌توانند توهین تلقی گردند اما برخی دیگر از الفاظ و عبارات وجود دارند که به صورت ذاتی دشنام (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۳۵۸) تلقی می‌گردند و استفاده از آن‌ها به نظر نگارنده مطلقاً توهین بوده و قابل پیگرد می‌باشد.

توهین صریح یا ضمنی: برخی حقوقدانان معتقدند «صرف موهن بودن یک فعل را نمی‌توان کافی برای جرم بودن آن دانست» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۳۴)، اما همان‌طور که توضیح داده شد برخی عبارات ذاتاً موهن هستند. به عبارت دیگر توهین صریح یا ذاتی عبارت است از رفتاری که ماهیت یا منطوق آن به وضوح حکایت از موهن بودن آن دارد و نیازی به اثبات این وصف نیست (جامپون، ۱۳۸۳، ۲۷۷). لذا برخی از الفاظ به صورت ذاتی دارای وصف موهن بودن می‌باشند مانند عبارت «قواد» یا «فاحشه» که استفاده از آن‌ها در هر شرایطی موهن تلقی شده اما برخی دیگر از الفاظ مانند «کچل» یا «بدلباس» ذاتاً موهن نیستند و برای توهین تلقی کردن آن‌ها باید سایر شرایط، خاصه نظر عرف در خصوص موهن بودن آن رفتار را نیز در نظر گرفت.

۲-۳- رکن روانی

با نگاه اجمالی به موادی که توهین را جرم انگاری کرده‌اند متوجه می‌شویم که در هیچ یک از آن‌ها قانونگذار از واژه‌های عمد، قصد، علم، سوءنیت و امثال آن‌ها استفاده نکرده است، اما توجه به اصل ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که توهین جرمی عمدی بوده و فرض غیرعمدی آن جرم محسوب نخواهد شد. به عنوان مثال در فرهنگ ما بعضی از حرکات دست توهین محسوب می‌گردند. حال چنانچه فردی با عدم آشنائی به معنی این حرکات آن‌ها را نسبت به دیگری انجام دهد تحقق جرم توهین با توجه به این که تحقق آن نیازمند علم و قصد مرتکب نسبت به رفتار خود می‌باشد، محل تردید خواهد بود. همچنین سیاق نگارش عبارات دو ماده ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) نیز این برداشت را تقویت می‌کند.

اما پرسش اساسی آن است که عمدی بودن توهین به چه معناست؟ آیا صرف علم مرتکب به موهن بودن رفتار کافی است یا علاوه بر آن او باید قصد توهین هم داشته باشد؟ فی‌الواقع آیا در جرم توهین سوءنیت خاص هم لازم است؟ در پاسخ باید گفت: «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد.» (ماده «۱۴۴»^{۱۷} قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۱).

۱۷- ماده ۱۴۴: در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد.

در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

با توجه به این موضوع رکن روانی جرم توهین متشکل است از: الف- آگاهی مرتکب به موهن بودن رفتار ارتكابی: توضیح آن که حتی اگر عمل ارتكابی ذاتاً توهین باشد و منتهی به هتک حیثیت طرف گردد در صورتی که مرتکب به وجود چنین وصفی در عمل جاهل بوده، این امر مانع از تحقق توهین خواهد بود. به عنوان مثال فردی را تصور کنید که با معنی لفظ «قواد» آشنا نیست و آن را نسبت به دیگری به کار می‌برد، به عقیده نگارنده در چنین فرضی، عمل فاقد وصف کیفی می‌باشد چرا که ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً اشاره داشته مرتکب باید به موضوع جرم علم داشته باشد. لذا لازمه تحقق توهین آگاهی مرتکب از معنای رفتاری است که به آن ارتكاب ورزیده است. باید توجه داشت که آگاهی طرف توهین شرط تحقق این جرم نیست، فلذا اگر یک ایرانی الفاظ رکیک را نسبت به یک خارجی به کار ببرد می‌توان گفت جرم توهین محقق شده است. ب- قاصد بودن مرتکب: بدین معنی که مرتکب باید قصد توهین داشته باشد. لازم به ذکر است عمد هنگامی تشکیل می‌گردد که مرتکب علاوه بر آگاهی به معنی رفتار، قصد در انجام آن را نیز داشته باشد. پس اگر در فرضی فرد از روی بی‌اختیاری حرکات موهن را نسبت به دیگری انجام دهد به نظر نمی‌توان رأی به تحقق جرم توهین داد.

۳- انواع توهین

۳-۱- توهین ساده ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

مبنای انتخاب این اصطلاح، شخصیت طرف توهین و میزان مجازات مرتکب است که در مقایسه با سایر صور جرم توهین خفیف‌تر به نظر می‌رسد. ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) که به موجب قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ اصلاح شده، در این زمینه اشعار می‌دارد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا جزای نقدی درجه شش (بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال) خواهد بود.»

این ماده دربرگیرنده تمامی صور جرم توهین است با این قید که توسط قانون دیگری تخصیص نخورده باشد فلذا اگر یک فرد نظامی به مافوق خود توهین کند مورد مشمول ماده «۴۸»^{۱۸} قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ خواهد بود. یا اگر طرف توهین یکی از مقامات مذکور

۱۸- ماده ۴۸: هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن به مافوق خود اهانت نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌گردد.

در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) باشد که در حین انجام وظیفه و یا به سبب آن مورد اهانت قرار گرفته، مورد از مصادیق ماده اخیر الذکر خواهد بود. همچنین باید توجه داشت که مصادیق موجود در ماده تمثیلی بوده و تحقق توهین صرفاً منوط به فحاشی و استعمال الفاظ رکیک نیست. البته برخی از اساتید حقوق معتقدند: توهین‌های اخف از فحاشی و الفاظ رکیک مشمول این ماده نخواهند بود مانند این که گفته شود فلان وکیل دادگستری در کارهای خود مهمل و بی بندوبار است. یا این که کسی به یکی از افراد این ماده بگوید به تو مربوط نیست و غلط نکن و امثال این‌ها (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۳۸). به نظر می‌رسد این استدلال منطبق با متن ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) نباشد چرا که اتفاقاً دلیل توهین دانستن عباراتی چون «غلط نکن» با لحاظ سایر شرایط، همان تمثیلی بودن عبارات موجود در متن ماده است، در واقع ماده می‌گوید هر عبارت وهن آوری که موجب حد قذف نباشد طبق این ماده مجازات خواهد شد، پس چندان صحیح به نظر نمی‌رسد که توهین‌های اخف از فحاشی و الفاظ رکیک را مشمول این ماده ندانیم.

۳-۲- ارتباط توهین ساده با حد قذف

در این خصوص چنان که خود ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) مقرر داشته اگر توهین مشمول حد قذف باشد مرتکب فقط به حد محکوم خواهد شد. در فرهنگ ما برخی عبارات با این که صریح در معنای قذف نیستند اما آن معانی را افاده می‌کنند مانند عبارت «حرام زاده» لذا چنانچه شخصی با استفاده از این عبارات منظور ارتکاب زنا از جانب مادر توهین شونده را داشته باشد با توجه به شق آخر ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد «... و درباره مخاطب اگر به علت این انتساب اذیت شده باشد به مجازات توهین محکوم خواهد شد.» و همچنین تبصره ماده ۱۳۵ قانون مذکور که بیان می‌دارد «.. مگر در قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.» نسبت به مادر توهین شونده قاذف محسوب شده و به حد محکوم و نسبت به خود مخاطب از بابت توهین به تعزیر محکوم خواهد شد. البته باید توجه داشت که این مطلب صرفاً در خصوص قذف و توهین بوده و در مورد سایر جرایم و مجازات‌ها از قاعده منع جمع مجازات‌ها مصرح در تبصره ماده ۱۳۵ قانون مذکور پیروی می‌گردد.

۳-۳- حضوری یا غیابی بودن توهین

در این خصوص به نظر می‌رسد اطلاق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) توهین را اعم از حضوری و غیابی دانسته، اما برخی حقوقدانان با استناد به شرایط اجتماعی، اخلاق عمومی و سیاست‌های جرم‌زدایی توهین در غیاب فرد را متصور نمی‌دانند (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۴۰). دادنامه

شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۷۰۳۰۱۰۹۶ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۸ صادره از شعبه ۵۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که اشعار می‌دارد: «در خصوص توهین با توجه به این که شاکیه اظهار نموده هنگام فحاشی در خانه حضور نداشتم، در نتیجه چنانچه متهمین زمانی که شاکیه حضور نداشته به درب منزل وی رفته و فحاشی نموده باشند با توجه به عدم حضور وی موضوع از مصادیق جرم عقیم می‌باشد، لذا به صورت مذکور بزهی متصور نیست.» نیز مؤید همین نظر است (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵، ۵۵۳). استدلال دادگاه محترم آن است که توهین در غیاب فرد از جمله جرایم عقیم می‌باشد و قابل مجازات نیست.

فارغ از این که در حال حاضر در مقررات حقوق کیفری ما چیزی تحت عنوان جرم عقیم یافت نمی‌شود، (قضائی علمداری، ۱۳۹۷، ۷۱) ایراد وارد بر این دادنامه آن است که اساساً چه خصوصیتی در حضور مخاطب برای تحقق جرم توهین وجود دارد؟ و اطلاق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) نیز در راستای تقویت نظری است که قیدی در خصوص حضوری یا غیابی بودن توهین برای تحقق جرم به تفسیر ماده وارد نمی‌سازد (نظر موافق: گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۵۵۶).

مضافاً آن که بحث‌های کارشناسی در خصوص لزوم یا عدم لزوم مجازات جرایم ناتمام، مجازات جرایم عقیم را عقلی، منطقی و عادلانه می‌نماید (اردبیلی، ۱۳۹۶، ج ۱، ۳۳۲).

در خصوص علنی یا غیرعلنی بودن توهین با توجه به استدلال‌هایی که در مورد حضوری یا غیابی بودن آن صورت گرفت، تردیدی در جرم بودن آن در هر دو فرض علنی و غیرعلنی وجود ندارد (نظر موافق: آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ۴۲).

۴- توهین به مقامات و کارکنان حکومت

واژه حکومت سه معنای مختلف را متبادر به ذهن می‌کند: محل حکومت و رهبری، رژیم سیاسی و ارگان‌هایی که عملاً حکومت را در یک دولت-کشور به عهده دارند (قاضی، ۱۳۷۰، ج ۱، ۳۱۵). در این جا مراد معنی سوم از واژه حکومت می‌باشد. باید توجه داشت که اگرچه در متن ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) به کارکنان نهادهای انقلابی و... مانند کارکنان اداری شورای نگهبان یا مجلس شورای اسلامی اشاره نشده است اما شمول ماده بر آن‌ها نیز محل تردید نیست چرا که نمی‌توان کارکنان شرکت‌های دولتی را که به فعالیت‌های تصدی‌گری مشغولند مشمول ماده دانست اما کارکنان سایر بخش‌هایی را که بعضاً به اعمال حاکمیت اشتغال دارند از شمول ماده خارج دانست. چنین نگرشی اگرچه ممکن است به زعم برخی مطابق با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری بنماید اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که چنین تفسیر سختگیرانه‌ای خلاف نظر مقنن است. چرا که اگر به چنین تفسیری از ماده مورد بحث قائل باشیم در آن صورت توهین به یک

نظافتچی در یکی از بانک‌های دولتی ذیل ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) محسوب شده و نسبت به ماده ۶۰۸ قانون مذکور مشدد است. در حالی که با این تفسیر توهین به یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام (در صورتی که سمت حکومتی دیگری نداشته باشند) توهین به مقامات و کارکنان حکومت نبوده و مشمول ماده ۶۰۸ (توهین ساده) خواهد بود.

بدیهی است چنین تفسیری مطابق با روح قانون و مدنظر قانونگذار نبوده چرا که باید توجه داشت فلسفه تشدید مجازات در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) نسبت به ماده ماقبل خود حمایت از مقامات در برابر توهین‌های احتمالی نسبت به آن‌ها از باب وظیفه ایشان می‌باشد و توجه به اصول حقوقی و تفاسیر سختگیرانه نباید ما را از کشف نظر قانونگذار و نتیجه منطقی قوانین منحرف سازد. با این وجود اما اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۹۳ مورخ ۱۳۷۸/۰۴/۰۵ خلاف این نظر را اظهار داشته است: «ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) راجع است به مجازات اشخاصی که به مقامات مذکور در آن ماده و حین اعمال حاکمیت دولت یا به سبب آن اهانت نماید. این اشخاص باید مستخدم دولت بوده و در حال اعمال حاکمیت یا به سبب آن مورد توهین قرار گیرند.» ملاحظه می‌شود حتی در این نظریه هم که صرفاً اصرار به مجازات اشخاصی که به مقامات مزبور در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) توهین کنند دارد، بحث اعمال حاکمیت ایشان مورد اشاره قرار گرفته است. لذا با توجه به این توضیحات منطقی به نظر نمی‌رسد که بتوان افرادی را که مشغول به اعمال تصدی هستند مورد حمایت بیشتر قرار داد و حمایت قانونی را از اشخاصی که اشتغال به اعمال حاکمیت دارند، سلب نمود. در خصوص رابطه استخدامی توهین شونده نیز لازم به ذکر است که تفاوتی بین استخدام رسمی، قراردادی، روزمزد و... نیست.

نکته حائز اهمیت در خصوص این جرم آن است که طبق آخرین اصلاحات قانون مجازات اسلامی تا لحظه نگارش این نوشتار در قالب قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ توهین به مقامات و کارکنان حکومت که تا پیش از این در زمره جرایم غیرقابل گذشت شمرده می‌شد وفق ماده «۱۰۴»^{۱۹} اصلاحی و در راستای سیاست حبس‌زدایی از جرایم خرد و کوچک، به یک جرم قابل گذشت تغییر پیدا کرده است.

۱۹- ماده ۱۰۴: علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در مواد ... (۶۰۹)، ... کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ ... مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.

مطلب مهم دیگر آن است که توجه به سمت توهین شونده اعم از شغل طرف می‌باشد که در هر یک از نهادهای مزبور مشغول انجام وظیفه باشد و لازم است توهین کننده حین توهین به این سمت واقف باشد. مضافاً آن که توهین باید در حال انجام وظیفه و یا به سبب آن صورت گرفته باشد برای مثال اگر یکی از طرفین دعوی خارج از ساعات اداری قاضی دادگستری را به سبب رائی که علیه او صادر کرده مورد اهانت قرار دهد، این مورد از مصادیق ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) خواهد بود (نظر موافق: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۵۰۰). در این خصوص نظریه مشورتی شماره ۱/۱۱/۶۰ مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۰۳ اداره حقوقی قوه قضائیه اشعار می‌دارد: «برای تحقق جرم اهانت به مأمور دولت حضور او در دفتر کار و پشت میزش ضرورت ندارد.»

سایر مباحث مرتبط با توهین به مقامات و کارکنان حکومت همان است که ذیل مبحث توهین ساده توضیح داده شد اما در پایان این بحث، ذکر تأثیر شخصیت توهین شونده در دو عنوان توهین ساده و توهین به مقامات و کارکنان حکومت لازم به نظر می‌رسد. برخی از علمای حقوق معتقدند گاهی رفتار توهین آمیز نسبت به رؤسای سه قوه ممکن است نسبت به یک کارمند جزء توهین تلقی نشود (آقایی-نیا، ۱۳۹۴، ۴۸). ایشان این مطلب را وجه ممیزه مادتین ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) می‌دانند. عده‌ای دیگر نیز اظهار داشته‌اند: «معیار رکیک بودن الفاظ نسبت به هر شخصی متفاوت است و در هر مورد باید شخصیت فرد مورد اهانت و نوع لفظ رکیک دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. بعضی از افراد حتی به کار بردن کلمه تو را نسبت به خود اهانت قلمداد می‌کنند اما در مقابل میان عده‌ای استفاده از لفظ رکیک در محاورات کاملاً عادی است.» (سپهوند، ۱۳۸۸، ۲۵۲).

با احترام به این نظر باید گفت اساساً توهین اگرچه جرمی است که عرف در تحقق و عدم تحقق آن نقشی اساسی ایفا می‌کند اما باید توجه داشت که یک فعل موهن هم نسبت به رئیس یک قوه موهن است و هم نسبت به کارمند جزء آن. مضافاً این که اگرچه در برخی از مناطق شهر و در میان برخی افراد توهین به یکدیگر نشانه رفاقت و صمیمیت است اما فارغ از مباحث فنی حقوق کیفری در خصوص امکان مجازات چنین رفتاری، این مطلب نباید موجب این گردد که رفتارهای ذاتا موهن را توهین ندانیم! توضیح داده شد که نفس کلمات موهن موجب تحقق این جرم می‌باشد و شکایت یا آزرده خاطر شدن یا نشدن بزه دیده تأثیری در تحقق این عنوان مجرمانه نخواهد داشت چرا که انسان‌ها به صورت ذاتی واجد وصف احترام و کرامت انسانی می‌باشند، لذا استعمال لفظ «نفهم» با توجه به سایر شرایط می‌تواند نسبت به هر انسانی توهین تلقی گردد. اما وجه تمایز دو ماده اخیرالذکر صرفاً در

حمایتی است که قانونگذار از مقامات و مسئولین و به طور کلی کارکنان حکومت روا می‌دارد. چرا که این افراد به واسطه شغل خود بیشتر در معرض بزه دیدگی این گونه جرایم قرار می‌گیرند و نمود بارز آن تنوع و تفاوت مجازات‌های ذکر شده در این دو ماده است، نتیجتاً این که برخی افعال را نسبت به مقامات جرم و نسبت به سایرین مباح بدانیم چندان دقیق به نظر نمی‌رسد.

در پایان لازم به ذکر است که با توجه به مقتضیات زندگی مدرن در جوامع امروزی و لزوم صیانت از حق بنیادین آزادی بیان که خود پشتوانه بسیاری دیگر از حقوق بنیادین بشری می‌باشد، نگارنده معتقد است جرم انگاری توهین به مقامات حکومتی به واسطه مقام ایشان و اعمال مجازات‌های شدیدتر نسبت به جرم توهین به افراد عادی امری اشتباه است که موجب نقض عدالت و سنگینی کفه متمایل به نهاد قدرت در برابر شهروندان عادی در دستگاه قضائی شده است، حال آن که تجربه دادرسی‌های متعدد در سالیان متمادی بر درستی این ادعاء صحه گذارده و لزوم جرم زدائی از این عنوان مجرمانه، به مانند آنچه در انگلستان انجام می‌شود، (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶، ۱۵۰) امری لازم و اجتناب ناپذیر می‌نماید.

۵- هجو

به موجب ماده ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵): «هر کس با نظم یا نثر یا به صورت شفاهی یا کتبی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.» قبل از توضیح عنوان کیفری فوق لازم به ذکر است که ماده مورد اشاره دارای اشکال نگارشی می‌باشد. توضیح آن که «... یا به صورت کتبی یا شفاهی» باید به شکل «... اعم از کتبی یا شفاهی ...» نگاشته می‌شد چرا که کتبی و شفاهی بودن از شیوه‌های هجو است نه نمونه‌هایی مانند نظم یا نثر!

جرم هجو به لحاظ ارتباطی که با موضوع این نوشتار دارد مورد بحث قرار خواهد گرفت. هجو در لغت به معنای شمردن عیوب دیگران و کسی را بد گفتن «مخصوصاً به شعر» آمده است (معین، ۱۳۷۱، ۵۱۰۴). در واقع می‌توان هجو را توهین به سبک ادبی دانست و لازمه آن این است که مرتکب طرف را در قالب یک قطعه منظوم یا منثور مورد اهانت قرار دهد، لذا استفاده از کلمات اهانت آمیز پشت سر هم هجو نخواهد بود. جرم انگاری این عمل از آن جهت است که عمق تأثیر و ماندگاری این نوع توهین به مراتب بیشتر از جرم توهین ساده است و این موضوع در طول تاریخ نیز مورد استفاده شعرا قرار گرفته است.^{۲۰}

۲۰- گویند که انگلیس با روس کرده است عهدی تازه امسال ... کاندر پلتیک هم در ایران زین پس نکند هیچ اهمال

افسوس که کافیان این ملک بنشسته و فارغند از این حال ... کز صلح میان موش و گربه بر باد رود دکان بقال. ایرج میرزا

بررسی جرم هجو دچار پیچیدگی های فنی حقوقی نیست اما تنها نکته‌ای که در تحلیل ماده ۷۰۰ قانون مذکور لازم به نظر می‌رسد آن است که برای تحقق این جرم ضرورت دارد هجویه منتشر گردد حال توسط خود شخصی که آن را سروده یا شخصی غیر از او، چرا که منطقی به نظر نمی‌رسد فردی که صرفاً هجویه‌ای سروده و آن را در کشوی میز کار خود قرار داده است مجازات نمود.

در خصوص نفس جرم انگاری این عمل، نگارنده معتقد است که جرم دانستن چنین اشعار یا نوشته‌هایی از اساس خلاف اصل آزادی بیان که از حقوق ذاتی بشر می‌باشد، است. چرا که با توجه به مقتضیات زندگی در دنیای امروز و لزوم نقد عملکرد حکام و آگاهی بخشی به طبقات مختلف جامعه جهت مطالبه حقوق حقه خود، جرم انگاری چنین عملی خلاف ماده «۱۹»^{۲۱} اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ می‌نماید. دلیل دیگر آن که نظم و نثری که در مقام نقد عملکرد مقامات و مسئولین باشد از ماندگاری و اثرگذاری بیشتری در افکار عمومی برخوردار است تا نقدهای سیاسی که روزانه در جراید مختلف به چاپ می‌رسند. البته باید توجه داشت که این هجو باید در مقام نقد عملکرد بوده و نوشته‌هایی که حاکی از خصومت شخصی با هر یک از مقامات و مسئولین باشد با لحاظ سایر شرایط ذیل مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) قابل پیگرد خواهند بود. با توجه به توضیحات فوق جرم زدائی از عنوان کیفری مزبور، حداقل هنگامی که در مقام نقد عملکرد مقامات و مسئولین می‌باشد، امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۶- توهین مطبوعاتی

وفق ماده یک قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، مطبوعات در این قانون عبارتند از «نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند.» با توجه به تعریف فوق نشریات دانشجویی یا نشریات درون سازمانی که در ارگان‌های دولتی و غیردولتی منتشر می‌شوند مشمول این قانون نبوده و وفق تبصره دوم از همین ماده: «نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.» در بندهای «الف»^{۲۲} و «ب»^{۲۳} از ماده ۲ این قانون رسالت مطبوعات در جمهوری اسلامی

۲۱- هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و اظهارنظر و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

۲۲- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک.

بیان شده است که از جمله آن می‌توان به آزادی نشریات و مطبوعات مصرح در اصل بیست و چهارم^{۲۴} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

پس از بیان این مقدمه ذکر موارد توهین جرم انگاری شده در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ لازم به نظر می‌رسد. در بندهای «۷»^{۲۵} و «۸»^{۲۶} ذیل ماده ۶ قانون مذکور اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید و افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند اگرچه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد جرم انگاری شده است.

در ماده «۲۶»^{۲۷} این قانون توهین به دین مبین اسلام و مقدسات آن جرم انگاری شده، در ماده «۲۷»^{۲۸} اهانت به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید را مستوجب لغو پروانه نشریه و معرفی مدیرمسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه دانسته است. با توجه به بررسی دقیق جرم توهین در مباحث گذشته به نظر می‌رسد برای تحدید حدود این ماده لازم است تبصره‌ای به شرح ذیل به آن اضافه گردد: «هرگاه مطالب مزبور در مقام نقد عملکرد و یا نظریات بوده و با نیت خیر خواهانه و مصلحانه صورت گرفته باشد، مورد مشمول این ماده نخواهد بود.» فایده عملی چنین تبصره‌ای آن است که راه را برای آزادی عقیده و آزادی بیان باز نموده و با اعمال نظارت همگانی بر مقامات و مسئولین راه استبداد و خود رانی را خواهد بست. چرا که امروزه و با توجه به شرایط موجود در مملکت برای مثال در خصوص بحث کودک همسری که موافق نظر برخی از مراجع محترم تقلید می‌باشد، آزادی بیان حتی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز که به

۲۳- پیش برد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

۲۴- اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

۲۵- ماده ۶: نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند. ۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۲۶- ۸: افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۲۷- ماده ۲۶: هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

۲۸- ماده ۲۷: هر گاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.

موجب اصل هشتادوششم^{۲۹} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام ایفای وظایف نمایندگی در بیان نظر و رأی خود کاملاً آزادند، در خصوص این بحث وجود نداشته و نمایندگان مردم بعضاً به خاطر مخالفت با این پدیده مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند.

در ماده «۳۱»^{۳۰} این قانون انتشار مطالب حاوی هتک حیثیت و یا افشای اسرار جرم انگاری شده و در ماده «۳۰»^{۳۱} انتشار هر نوع مطالب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع دانسته شده است. باید توجه داشت که جرم توهین با معیار عرف مورد سنجش قرار می‌گیرد و ممکن است در برخی شرایط استفاده از لفظ بی‌کفایت نسبت به برخی افراد توهین تلقی گردد، در چنین شرایطی اگر فرضاً یک منتقد در نقد خیرخواهانه خود نسبت به مسئولین که حتماً عملکرد قابل نقدی دارند، چنین عبارتی را به کار ببرد مرتکب جرم شده و قابل مجازات خواهد بود. تالی فاسد این امر آن است که منتقد مزبور دست به عصا شده و در بیان مطالب انتقادی خود آزادی‌های لازم را نخواهد داشت، کما این که در زمان نگارش این نوشتار با توجه به عالم‌گیری و ویروس کووید ۱۹ برخی از مقامات بهداشتی کشور به خاطر ابراز نظرات مخالف شان با شیوه برخورد با این بیماری (که بعضاً ایرادات واردی هم بوده) منعزل شدند و برخی دیگر نیز به خاطر اظهار عقیده‌شان به داسرا فرا خوانده شدند. لذا به عقیده نگارنده در خصوص این ماده نیز باید به مانند ماده ۲۷ با اضافه کردن یک تبصره رفتار موهنی را که با نیت خیرخواهانه و در مقام نقد عملکرد صورت گرفته است از شمول مقررات کیفری خارج نمود.

۲۹- اصل هشتاد و ششم: نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آن‌ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد.

۳۰- ماده ۳۱: انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیرمسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

۳۱- ماده ۳۰: انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیرمسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرائم مزبور موقوف به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.

در آخر تبصره دوم^{۳۲} ماده ۳۰ این قانون انتشار مطالبی را که عرفاً هتک حیثیت بازماندگان متوفی تلقی گردد قابل مجازات دانسته است.

۷- آزادی بیان و مطبوعات

در این خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاق ملی ایرانیان در اصل بیست و چهارم اشعار می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» همان طور که ملاحظه می‌شود قانون اساسی اصل را بر آزادی مطبوعات قرار داده (مهرپور، ۱۳۹۱، ۶۱) و در دو جا این آزادی را محدود نموده است. اول جایی که این آزادی مخل به مبانی اسلام باشد و دوم آن که موجب تضییع حقوق عامه گردد. در خصوص قسمت آخر اصل بیست و چهارم که تفصیل چگونگی آزادی مطبوعات را در اختیار قوانین عادی قرار داده مقنن اقدام به تصویب قوانین مختلفی از جمله قانون مطبوعات مصوب ۱۶۴ و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ نموده است. طبق قانون اخیرالذکر اصل بر آزادی اطلاعات بوده (انصاری، ۱۳۹۰، ۲۷۱) و تنها در در موارد استثنائی می‌توان از ارائه اطلاعات درخواستی امتناع نمود. همچنین وفق ماده ۵ این قانون مؤسسات عمومی موظفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در اختیار مردم قرار دهند.

حال که اصل بر آزادی بیان است، باید دید برای مثال نقد رأی یک دادگاه تا چه حدی جایز بوده و چه زمانی این نقد می‌تواند توهین به شخص عادی (قاضی صادرکننده رأی به عنوان یک شخص حقیقی) یا توهین به مقامات دولتی (همان قاضی در جایگاه قضاوت) شمرده شود. پاسخ به این مسئله لازم به نظر می‌رسد چرا که یکی از جنبه‌های کارآمدی آزادی بیان آن است که از این طریق می‌توان با ارائه آموزش‌های همگانی سطح اطلاعات حقوقی اقشار مختلف جامعه را بالا برد و به تبع آن از وقوع بسیاری از جرائم خرد و کوچک مانند توهین ساده که موجب تشکیل پرونده و رسیدگی در محاکم و سنگینی مضاعف بر دوش محاکم دادگستری می‌شود جلوگیری نمود. لازم به ذکر است که نتیجه غیرمستقیم این اقدام افزایش کیفیت رسیدگی‌ها نیز خواهد بود چرا که اگر قاضی دادگستری به دلیل حجم بالای پرونده‌های ورودی به شعبه متبوعش مجبور نباشد ماهیانه تعداد خاصی از پرونده‌ها را مورد رسیدگی قرار دهد و فرصت کافی برای مطالعه و دقت نظر در پرونده‌های موجود داشته باشد این امر،

۳۲- تبصره ۲: هر گاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاک‌ی به بازماندگان وی به حساب

آید، هر یک از ورثه قانونی می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.

لاجرم کیفیت رسیدگی را بالا و احتمال تضییع حق هر یک از طرفین دادرسی را پایین خواهد آورد. همچنین باید توجه داشت آزادی اطلاعات به افراد جامعه چنان قدرت و توانی اعطاء می‌کند که هم خوب بشناسند، هم خوب تحلیل و بررسی کنند و هم خوب از حقوق و امتیازات خود دفاع و حمایت کنند (انصاری، ۱۳۹۰، ۲۷۷).

نکته حائز اهمیت در خصوص قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ آن است که در تبصره^{۳۳} ماده ۱۰ این قانون انتشار اطلاعات مؤسسات عمومی که زیر نظر مقام معظم رهبری فعالیت می‌کنند را منوط به عدم مخالفت ایشان نموده است. به نظر نگارنده این سبک قانون نویسی در عمل منجر به آن می‌شود که مؤسسات عمومی زیر نظر مقام معظم رهبری انتشار اطلاعات مربوط به خود را ممکن ندانند و لاجرم از نظارت عمومی معاف باشند. در حالی که بهتر بود جای اصل و استثناء در این تبصره عوض می‌شد و انتشار اطلاعات این قبیل مؤسسات علی‌الاصول آزاد بود مگر در مواردی که نشر آن اطلاعات خاص موجب (فرضا) به خطر افتادن امنیت ملی یا برهم خوردن نظم عمومی جامعه می‌شد. در خصوص مقوله آزادی بیان یا شرایط اعمال آن را تعیین کنند (انصاری، ۱۳۹۰، ۲۷۸). نویسنده مزبور قائل به وجود چهار نوع حرمت برای آزادی و حقوق اشخاص می‌باشد که به نظر وی از این میان حرمت شخصی یا ذهنی جنبه شخصی داشته و برای احراز اهانت به آن، نیازی جهت رجوع به عرف نیست و شاید عملی که عرفاً توهین آمیز نباشد نسبت به یک فرد خاصی اهانت محسوب گردد که البته به نظر نگارنده صحت این نظر که برخی دیگر از حقوقدانان (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۴۸۵) نیز قائل به آن هستند محل تردید جدی است. ایشان با ذکر مثالی استفاده از کلمه «بی‌سواد» نسبت به یک استاد دانشگاه را موهن تلقی و مشمول مقررات کیفری می‌دانند در حالی که به نظرشان اگر همین عبارت نسبت به یک کارگر ساده استعمال شود فاقد وصف کیفری است. نگارنده معتقد است تالی فاسد چنین نگرشی آن است که این امر به طبقه بندی اجتماعی، نظیر آنچه هنوز هم در برخی جوامع آفریقایی وجود دارد خواهد انجامید. توضیح آن که یقیناً زحمتی که افراد در کسب علم و طی مدارج تحصیلی تحمل می‌کنند شایسته تقدیر و محترم است اما باید توجه داشت که تعریف لغوی توهین، اشاره به خوار نمودن و سست نمودن دارد. چنان که پیداست قیدی در این معنی وارد نشده و هرگونه استعمال الفاظ موهن با قصد خوار کردن یا سست نمودن فارغ از آن که مخاطب آن چه کسی و در چه جایگاهی باشد

۳۳- تبصره: حکم این ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم له می‌باشد.

توهین محسوب خواهد شد. چرا که عزت نفس و شرافت نوع بشر از ذاتیات وجود اوست و حفظ حرمت او در شعائر دینی ما از واجبات است و این امور از بدو تولد به همراه هر انسانی برای او به وجود آمده و این گونه نیست که امور اکتسابی مانند مدرک تحصیلی، شغل، ثروت و... بتوانند بر کم و کیف آن اثر گذار باشند.

نکته دیگر آن که در برخی از کشورها همچون ایالات متحده آمریکا به موجب متمم اول قانون اساسی آن کشور و انگلستان (Nicole & Bowman, 1993, 177) طرح شکایت کیفری به اتهام توهین به مقامات سیاسی پذیرفته نمی‌شود. اهمیت این موضوع در جایی هویدا می‌شود که رسانه‌ها در آن کشور با وجود فضای باز برای انتقاد از عملکرد حاکمان و به عنوان رکن چهارم دموکراسی^{۳۴} با آگاهی بخشی و کمک به نظارت همگانی بر این عملکرد، از وقوع شقوق مختلف فساد و رانت جلوگیری نموده و اعتماد عمومی را نسبت به مجموعه حاکم فزونی می‌بخشند و این از برکات انکارناپذیر وجود آزادی بیان و آزادی رسانه برای هر کشوری است. توضیح آن که علیرغم تمام یک جانبه گرائی‌های کشوری همچون ایالات متحده آمریکا در سطح بین‌المللی و وجود اختلافات ایدئولوژیک و بنیادین میان جمهوری اسلامی ایران و آن کشور، وجود توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آن کشور امری انکارناپذیر می‌نماید و این توسعه به شکل انکارناپذیری مرهون وجود رسانه‌های آزاد و آزادی بیان است که شوربختانه این امر به طور جدی در قوانین موجود و همچنین رویه عملی نظام جمهوری اسلامی ایران نمود نیافته است. البته باید توجه داشت که خود این حق آزادی بیان محدود به نظارت بر عملکرد و نقد کارکرد مقامات و مسئولان می‌باشد. لذا بدیهی است چنانچه فردی با انگیزه‌های شخصی اقدام به سست نمودن شخصیت یکی از مسئولین و نه عملکرد آن‌ها بنماید، این امر می‌تواند با لحاظ سایر شرایط قانونی تحت پیگرد قرار گیرد.

۷-۱- تعریف آزادی بیان

آزادی بیان^{۳۵} از حقوق ذاتی و بنیادین بشر بوده که رشد و شکوفایی بسیاری دیگر از حقوق و آزادی‌های انسان مانند حق انتقاد، حق تحقیق و توسعه، حق تعیین سرنوشت، آزادی رسانه و... در گرو تحقق آن است. به بیان دیگر آزادی بیان یعنی آزادی اندیشه و عقیده که از آن به عنوان ابزاری برای رساندن عقاید و اندیشه‌های مختلف به دیگران استفاده می‌گردد. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس فارغ باشند به عنوان بالاترین آرمان بشری

۳۴- جهت مطالعه بیشتر رک: کوئن، ۱۳۹۸، ۴۴۸.

اعلام شده است. آزادی بیان همچنین از اساسی‌ترین معیارها برای سنجش میزان دموکراسی^{۳۶} و چندصدائی در هر جامعه‌ای است که نقض آن لاجرم به نقض سایر حقوق بنیادین بشر خواهد انجامید. در این خصوص تعریف اعلامیه جهانی حقوق بشر از آزادی بیان پیشتر ذکر شد و ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ در این خصوص اشعار می‌دارد: «هر فردی حق دارد هر نظری که می‌خواهد داشته باشد، هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جست و جو، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها از هر قبیل بدون توجه به مرزها، خواه شفاهاً یا به صورت مکتوب یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود می‌باشد.» اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است. بنابراین ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور زیر ضرورت داشته باشد. رعایت حقوق یا حیثیت دیگران و حمایت از امنیت ملی^{۳۷} یا نظم عمومی^{۳۸} یا سلامت یا اخلاق عمومی.^{۳۹} همچنین متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا^{۴۰} در این خصوص بیان می‌دارد: «کنگره نباید هیچ قانونی را در رابطه با تأسیسات یک مذهب وضع کند یا اجرای آزادانه (رسومات) آن را منع نماید. یا رعایت حق آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها و یا حقوق تجمعات مسالمت آمیز مردم را نقض کند. همچنین همواره باید حق تظلم خواهی مردم از حکومت را به رسمیت شناسد.»

در حقوق داخلی نیز اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صرفاً نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد دانسته و از آزادی بیان برای همه سخنی به میان نیاورده است. از سوی دیگر منشور حقوق شهروندی که در مادتهای «۲۵»^{۴۱} و «۲۶»^{۴۲} خود آزادی اندیشه و آزادی بیان را برای

36- Democracy

37- National security

38- Social order

39- Public moral

40- Amendment I

۴۱- ماده ۲۵: شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

۴۲- ماده ۲۶: هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چهارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند.

شهروندان به رسمیت شناخته است. البته بدیهی است مادامی که این منشور فارغ از اغراض سیاسی در قالب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی قرار نگیرد صرفاً جنبه تزئینی و تبلیغاتی داشته و استناد به آن در هیچ محکمه‌ای مورد استماع قرار نخواهد گرفت.

علمای حقوق ارکان اساسی در تعریف آزادی بیان را به شرح ذیل تشریح کرده‌اند: منع سانسور و کنترل پیشینی: که هرگونه نظارت، کنترل و ممیزی مطالب پیش از انتشار را فاقد وجاهت می‌داند. تکثر بیان‌ها و رسانه‌ها: آزادی بیان علی‌الاصول در وجود نظرات مخالف نمود پیدا می‌کند.^{۴۳} لذا در صورت وجود رسانه‌های مختلف، آزاد و مخالف است که می‌توان اساساً از آزادی بیان سخن گفت. حمایت از روزنامه نگاران: به طور کلی خبرنگاران و رسانه‌های آزاد رکن چهارم دموکراسی تلقی شده و حمایت‌های ویژه از حق آزادی بیان برای این اقشار خاص از ملزومات برقراری دموکراسی در هر جامعه‌ای است. همچنین باید توجه داشت این قبیل مشاغل به دلیل ماهیت کاری‌شان بیشتر در معرض ارتکاب جرائمی چون توهین و افترا هستند. که نفس این مطالب گواه لزوم حمایت بیشتر از ایشان به واسطه قانون می‌باشد.

۲-۷- قلمرو آزادی بیان

موضوع اصلی مبحث آزادی بیان، حمایت از «بیان» می‌باشد به طوری که هر فرد یا گروه اجتماعی بدون ترس از پیامدهای حقوقی و غیرحقوقی بتواند عقیده خود را اظهار و نظرات دیگر را مورد نقد قرار دهد که این موضوع دارای شئون مختلفی است که شامل آزادی بیان عقیده یا سکوت، آزادی در انتخاب وسیله بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات و آزادی در خصوص موضوع مورد بیان می‌باشد.

امروزه حکومت‌ها در عین آن که برخی از این شئون مختلف را محدود کرده اند ادعا دارند: همه ما دموکرات هستیم.^{۴۴} لیبرال‌ها، محافظه کاران، سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها، آنارشیست‌ها و حتی فاشیست‌ها مشتاقانند فضیلت‌های دموکراسی را جار بزنند و صلاحیت دموکراتیک خود را ثابت کنند (هیوود، ۱۳۹۱، ۱۰۰). نگارنده معتقد است درست پس از بسط و استقرار شئون مختلف آزادی بیان و پس از استقرار یک حکومت مبتنی بر آراء مردم است که می‌توان آن حکومت را یک حکومت دموکراتیک نامید و با بحث‌ها و نقدهای منصفانه زمینه تضارب آراء و پیشرفت کشور را به وجود آورد.

۴۳- انصاری، باقر، آزادی بیان در پرتو نظام بین الملل حقوق بشر، قابل مشاهده در کانال تلگرامی ایشان به آدرس:

https://t.me/dr_ansari

۴۴- دموکرات نه به معنی یکی از احزاب سیاسی ایالات متحده آمریکا بلکه به معنی نوعی حکومت که در آن حق حاکمیت متعلق

به مردم است و از طریق مراجعه به آراء عمومی عملی می‌گردد.

البته باید توجه داشت این قضیه با آزادی حق انتخاب^{۴۵} و حق تعیین سرنوشت^{۴۶} ملازمه تنگاتنگ دارد و صرف برگزاری انتخابات و همه پرسی‌های نمایشی که امروزه در برخی از کشورهای جهان مورد استفاده تبلیغاتی حکومت‌ها قرار می‌گیرد، به معنی دموکرات بودن آن حکومت نیست.

۷-۳- حدود آزادی بیان

در این بحث در پی پاسخ به این پرسش هستیم که بینیم آزادی بیان تا کجا معنی و مفهوم پیدا می‌کند و مصداق آن چیست؟ آیا افراد می‌توانند با استناد به حق آزادی بیان به یکدیگر توهین کنند یا خیر؟ به نظر می‌رسد برای پاسخ به این پرسش اولاً باید میان شهروندان عادی و مقامات و مسئولین قائل به تفکیک شد. ثانیاً باید دید توهینی که با استناد به حق آزادی بیان صورت گرفته است با اغراض شخصی بیان شده یا در مقام نقد صورت گرفته است؟

در حقوق ما اصل چهارم قانون اساسی، برگرفته از قاعده لاضرر^{۴۷} اشعار می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» با توجه به اصل مذکور، برای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده باید گفت اولاً محدوده آزادی بیان در برابر اشخاص عادی تا جایی است که حیثیت، شرف و آبروی افراد از تعرض مصون بماند اما در مورد مقامات و مسئولین به دلیل ماهیت کاری که انجام می‌دهند و جایگاهی که در آن قرار دارند و مزایایی که به واسطه آن جایگاه شامل حال ایشان می‌شود، این مصونیت حیثیت، شرف و آبرو با استثنائاتی مواجه خواهد شد. ثانیاً در مورد مقامات و مسئولین اگر توهینی در مقام نقد عملکرد ایشان و با نیت خیرخواهانه و اصلاح گرایانه، در خصوص ایشان صورت پذیرفت آن توهین، به اعتقاد نگارنده، باید از شمول مقررات کیفری خارج باشد. چرا که در مقام رفع تعارض میان دو حق آزادی بیان و مصونیت از تعرض در خصوص مقامات و مسئولین، مصلحت جامعه و اصل دموکراسی^{۴۸} ایجاب می‌کند که جانب حق آزادی بیان گرفته شود. همچنین باید توجه داشت در حقوق بشر عبارتی وجود دارد تحت عنوان «Right to be wrong» که حق بیان اشتباه برای افراد را به رسمیت می‌شناسد و این در خصوص نقدهای غلط یا اشتباهی که بعضاً تحلیل‌گران، کارشناسان و خبرنگاران در خصوص عملکرد مقامات و مسئولین ارائه می‌کنند کاملاً مصداقی و کاربردی است.

45- Right to choose

46- Self-determination

۴۷- لاضرر و لاضرار فی الاسلام

48- Principle of democracy

برای مثال فرض کنید در دوران عالم‌گیری و ویروس کرونا یک پزشک متخصص با نظرات رئیس دولت یا سایر مسئولین در خصوص اعمال محدودیت‌های تردد مخالف بوده و تصمیم ایشان برای بازگشایی زودتر از موعد کشور را در یک برنامه تلویزیونی، مطلب نوشتاری یا شبکه‌های اجتماعی عجولانه، احمقانه، از روی نادانی و... تحلیل کنند. در صورت تحقق چنین فرضی علیرغم موهن بودن مطالب فوق به عقیده نگارنده توهین در معنای کیفری آن صورت نگرفته و هرگونه تعقیب یا مجازاتی برای چنین عملی فاقد وجاهت خواهد بود. نظرات دو قاضی سابق دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در این خصوص قابل توجه به نظر می‌رسد.^{۴۹} قاضی «پاتر استوارت» در خصوص افترا می‌نویسد «عنصر اساسی در خصوص تحقق افترا ادعای خدشه‌دار شدن حیثیت طرف می‌باشد.» همچنین قاضی «هوگو بلک» به طرز جالبی معتقد است «هر گونه ادعای جرم توهین یا افترا به طور مطلق با متمم اول قانون اساسی ایالت متحده آمریکا، که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، در تعارض است.» در مورد دیگری که منجر به اقامه دعوی حقوقی علیه «دونالد ترامپ» رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا شده بود، دادگاه فدرال آمریکا رأی بر آن داد که اقدام رئیس جمهور در مسدود کردن سایر کاربران در شبکه اجتماعی توئیتر از آن جهت که محدودکننده حقوق ایشان بوده خلاف متمم اول قانون اساسی و غیرقانونی است.^{۵۰} که نهایتاً دادگاه مزبور دستور به رفع مسدودی حساب‌های کاربران داد و رئیس جمهور و کلایش هم تن به حاکمیت قانون^{۵۱} دادند. نکته حائز اهمیت در این دعوی آن است که رئیس جمهور نه تنها حق محدود کردن دسترسی کاربرانی که نظرات نقادانه نسبت به توئیتهای او دارند را ندارد بلکه او به این دلیل که از شبکه اجتماعی توئیتر برای اعلام نظرات و تصمیمات جایگاه حقوقی خود یعنی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا استفاده می‌کند، حق محدود کردن دسترسی کاربرانی که از این بابت او را مورد تمسخر^{۵۲} قرار می‌دهند هم ندارد.^{۵۳} که این قضیه در مقایسه با ملاک عرفی بودن توهین در حقوق ما جالب توجه و محل تأمل است. همچنین اخیراً نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در جریان رقابت‌های انتخاباتی و در مقام نقد یکدیگر، طرف مقابل را احمق، نادان،

49- Available at: <https://www.freedomforuminstitute.org/first-amendment-center/topics/freedomofthepress/libel-defamation>

50- Available at: <https://google.com/amp/s/www.nytimes.com/2019/07/09/us/politics/trump-twitter-first-amendment.amo.html>

51- Rule of law

52- Mocking

53- Available at: <https://firstamendmentwatch.org/deep-dive/can-elected-official-block-critics-on-their-social-media-pages/>

دیوانه، بی‌غرضه و... خطاب می‌کنند که به نظر می‌رسد این القاب در مقررات فعلی حقوق کیفری ما مطلقاً توهین بوده و مستوجب مجازات می‌باشند.

نتیجه

توهین از جمله مواردی است که در قرآن کریم و سیره ائمه و معصومین (ع) مورد نکوهش قرار گرفته است، لذا جرم انگاری آن منطقاً بلاشکال می‌نماید چرا که حکومت همواره باید حافظ جان، مال، حیثیت و شرف شهروندان خود باشد. اما از سوی دیگر باید توجه داشت که هر عبارت وهن‌آور و سست‌کننده‌ای لزوماً موجب تحقق جرم توهین نخواهد شد نمونه آن نیز چنان که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، توهین‌ها و هتاک‌های هائی است که بعضاً ممکن است در مجادلات سیاسی، میان مسئولین به وقوع بپیوندند یا مواردی باشد که فرد منتقد با نیت خیرخواهانه و اصلاح طلبانه در مقام نقد عملکرد یک مسئول توهینی را نیز نسبت به او روا دارد.^{۵۴} از سوی دیگر باید توجه داشت علیرغم عرفی بودن معیار و ملاک تشخیص توهین که فی‌نفسه ملاک درستی به نظر می‌رسد، برخی از رفتار و عبارات به صورت ذاتی وهن‌آور بوده و برخلاف نظر برخی از حقوقدانان محترم، ارتکاب آن‌ها نسبت به هر فردی فارغ از سن، جنس، مدرک تحصیلی، ثروت، شغل، جایگاه اجتماعی و... موهن و جرم تلقی خواهد شد. که از نمونه‌های این رفتار و عبارات می‌توان به آب دهان انداختن به روی دیگری و یا استفاده از عبارت «بیشعور» اشاره نمود. همچنین ضروری به نظر می‌رسد تا در جهت بسط دموکراسی و دفاع از حق آزادی بیان که از حقوق اولیه هر فردی بوده و تمام حکومت‌های آزادی خواه جهان موظف به پاسداشت آن می‌باشند، در وهله‌ی اول قانونگذار محترم به جرم زدائی از عنوان توهین به مقامات و کارکنان حکومت به واسطه مقام ایشان مبادرت ورزد، سپس برخی عبارات موجود در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) با شرحی که در متن رفت، مورد اصلاح قرار گیرند. از سوی دیگر قانون مطبوعات نیز نیاز به همین اصلاحات و تبصره‌ها دارد که جهت پرهیز از اطاله کلام از ذکر مجدد آن‌ها خودداری می‌شود. در آخر باید توجه داشت در صورت تحقق این پیشنهادها بار پرونده‌های ورودی به دستگاه قضا نیز کم شده و ضریب خطاهای قضات محترم به واسطه

۵۴- مقایسه کنید با اجرای حکم شلاق به دلیل توهین یک کارگر ناوایی به امام جمعه شهرستان چرام استان کهگیلویه و بویراحمد

در فضای مجازی و عدم گذشت امام جمعه! قابل مشاهده در:

کاهش پرونده‌های مورد رسیدگی و وجود زمان بیشتر برای مطالعه و بررسی هر پرونده، پایین خواهد آمد. که این امر گامی خواهد بود به سوی تحقق هرچه بیشتر عدالت.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- آقایی‌نیا، حسین، ۱۳۹۴، **حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص** (شخصیت معنوی)، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۶، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ پنجاه و یکم، تهران، نشر میزان.

- اداره کل وحدت رویه و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ۱۳۹۱، **مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور**، چاپ اول، تهران.

- امین‌پور، محمدتقی، ۱۳۳۰، **قانون کیفر همگانی و دیوان عالی کشور**، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی.

- انصاری، باقر، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۳۵.

- انصاری، باقر، **حمایت از اشخاص در برابر آزادی بیان**، قابل مشاهده در: https://t.me/dr_ansari

- انصاری، باقر، **آزادی بیان در پرتو نظام بین الملل حقوق بشر**، قابل مشاهده در: https://t.me/dr_ansari

- پاد، ابراهیم، ۱۳۸۵، **حقوق کیفری اختصاصی جرایم نسبت به اشخاص**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۰، **وسیط در ترمینولوژی حقوق**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- جامپیون، جونپور، ۱۳۸۳، **مبانی حقوقی ورزش‌ها مسئولیت مدنی در ورزش**، ترجمه دکتر حسین آقایی‌نیا، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- سپهوند، امیرخان، ۱۳۸۸، **حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجلد.

- شیخ‌الاسلامی، عباس، ۱۳۹۶، **سیاست جنایی ایران و انگلستان در قلمرو جرایم مطبوعاتی**، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۵، **حقوق کیفری اختصاصی** جرایم علیه اشخاص، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات مجد.
- قاضی، ابوالفضل، ۱۳۷۰، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قضائی علمداری، امیرحسین، ۱۳۹۷، **شروع به جنایات عمدی در آیینہ آراء محاکم کیفری**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵، **مجموعه آراء قضائی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)**، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- مهرپور، حسین، ۱۳۹۱، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۵، **حقوق کیفری اختصاصی** جرایم علیه اشخاص، چاپ بیست و دوم، تهران، نشر میزان.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، **فرهنگ فارسی**، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- کوئن، بروس، ۱۳۹۸، **مبانی جامعه شناسی**، ترجمه غلامعباس توکلی و رضا فاضل، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات سمت.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۳، **محتشای قانون مجازات اسلامی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
- هیوود، اندرو، ۱۳۹۱، **سیاست**، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دوم، تهران، نشر نی.

لاتین

-Nicol, Andrew & Bowman, Caroline; Press law in the UK; Press law and practice; Paris; UNESCO; 1993

وبسایت‌ها

- <https://www.freedomforuminstitute.org/first-amendment-center/topics/freedomofthepress/libel-defamation>
- <https://google.com/amp/s/www.nytimes.com/2019/07/09/us/politics/trump-twitter-first-amendment.amo.html>
- <https://firstamendmentwatch.org/deep-dive/can-elected-official-block-critics-on-their-social-media-pages/>
- <https://google.com/amp/www.radiofarda.com/amp/30659380.html>

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴
- قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)
- قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹
- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴
- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲
- نظریه مشورتی شماره ۷/۶۷۵۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰
- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۹۳ مورخ ۱۳۷۸/۰۴/۰۵
- قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون کاهش مجازات های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳
- منشور حقوق شهروندی
- آئین نامه امور اخلاقی مصوب ۱۳۲۴
- قانون اساسی ایالات متحده آمریکا
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸

Legal Civilization

Biannual No.9/Fall 2021 & Winter 2022

ISSN:2783-1841
ISSN:2783-1922

- Review of Legal Solutions for Mining and Trading of Digital Currencies: Legal Gaps and Solutions*SHima Naderi, Majid Motallebi
- Analysis the Jurisprudential Principles of Torture and Delay at Implementation Preemption *Morteza Rahimi
- Achievements and Challenges of Multiplicity and Recidivism in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment Imposed in 2020 with a Practical Approach*Abolfath KHaleghi, Zahra Mirzaei
- Review of Technology Transfer Contract in Iranian Subject Law*Afshin Mojahed
- Explain the Principle of Information in the Light of the Previous Consent Procedure of the Rotterdam 2003 Convention*Mohammad Mobini Far, Marzieyh Fathi Bornaji
- The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality*Mohammadreza Yazdi, Mojtaba Salek Razi
- the effects and conditions of retrial in Iranian and French lawani, Mohammad Reza Burbur
- Effects of Divorce on the Law of Iran, France and the United Kingdom *Maisam Sobhani
- Analysis of Child Rights in Iran: Review of the National Body Convention of Rights of Child Based on the Universal Convention of the Rights of the Child *Maryam SHA'ban
- The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law*Amirhossein GHazaei Alamdari
- Principles and Rules Governing Professional Ethics in the Legal Profession *Rostam Ali Akbari, Yasser SHakeri
- Religious Pluralism in the Islamic Penal Code*Mohsen Hamidipour
- Effects and Conditions of Absentee Proceedings in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Mostafa Afzali Goroh
- Criminal Responsibility of Governments for Environmental Crime in the Light of Regional and International Cooperations*Sajad Tayebi
- Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America*Mohammad Setayesh Pur, Eisa Poodat
- Conceptual and Philosophical Challenges of Terrorism in Confrontation of Human Rights Nourooz Kargari
- Economic Analysis of the Externality of Property use by Comparative Study of Iranian Law Yadullah Dadgar, Akram Ehsani
- Functions and Challenges of Mediation in Iran (Looking at Some European Countries and International Documents)*Sayyed Abbas Mousavi
- Privacy in the Legal System of Iran and Islam*Ali Akbari, Mahdi Falahian
- Prisoners' Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law with a look at International Documents*Gholamreza Izadpanah, Vajehe Izadpanah
- Analysis of the Assassination of Iranian Nuclear Scientists from the Perspective of Domestic and International Law*Mohammad Khalil Salehi, Mohammad Salmani Farahmand
- Effects of Life Insurance Contract from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Protecting Agency Judges in an Age of Politicization: Evaluating Judicial Independence and Decisional Confidence in Administrative Adjudications*Reza Tajarlou, Mohammad Javad Shafaghi, Fatemeh Mafi
- the Rights of Victims and Offenders in the French Criminal Procedure Criticisms and Challenges Sadegh Fetili, Ebrahim Moghdam
- Review and Analysis of the Obligation to Observe Caution in Common Law Rezahosain Gandomkar, Farzad Karami kolmoti
- A Comparative Study of Crime Cost Assessment in Criminal Law and Shiite Jurisprudence Esmaeil Kashkoulain, Mahdi Naghavi
- An Introduction to the Theory of Legal Personality in Imami Jurisprudence*Sayyed Alireza Amin
- Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure Sayyed Vahid Mirmezami, Faezeh Bahador
- Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America Ahmadreza Kenarkoohi, Salameh Abolhasani
- Research on the Importance of Offer in Iranian Civil Law and the UNIDROIT Principles Morteza Javan Sarand